ویترین

مریم زاهدی

زنان در لباس پلیس

تا همین چند سال پیش پلیس شدن آرزوی پسر بچه‌ها بود، اما حالا بانوان ایرانی هم در کنار مردان بخشی از بار برقراری نظم و امنیت را در نیروی انتظامی بر دوش دارند و ۴ درصد پلیس کشور را زنان تشکیل می‌دهند که به رغم کم تعداد بودن نسبت به مردان پلیس توانسته‌اند خوش بدرخشند.

در ایران پلیس زن از سال ۱۳۴۵ آغاز به کار کرد. قبل از انقلاب تعداد پلیس زن کم بود و فعالیت‌هایی مانند ایستادن سر چهارراه‌ها برای رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی برایشان تعریف شده بود. پس از انقلاب نوع پوشش و مشاغل پلیس زن تغییر کرد و زنان پلیس در مشاغل اداری فعالیت می‌کردند، اما دیگر در نیروی انتظامی افسر پلیس زن حضور نداشت. با این وجود ضرورت وجود زنان افسر در مواردی ضروری احساس می‌شد. به همین دلیل سال ۱۳۷۷ نیروی انتظامی اصلاحیه‌ای به مجلس فرستاد و مجلس تصویب کرد نیروی انتظامی افسر پلیس زن را به صورت نظامی و انتظامی به کار گیرد. در نتیجه، اولین دوره پلیس زن با یونیفرم نظامی از سال ۷۸ از طریق کنکور وارد دانشکده پلیس شد. از همان ابتدا قرار شد زنان پلیس تنها برای رفع نیازهای زنان و کودکان و در مشاغلی که از بعد شرعی، روحی و فرهنگ اسلامی و ایرانی ضرورت دارد حضور داشته باشند.

به کارگیری زنان در نیروی پلیس اما در دنیا سابقه‌ای طولانی دارد و برای نخستین بار به امریکا باز می‌گردد.

در قرن نوزدهم میلادی گروهی از زنان برای کنترل زنان و کودکانی که در مراکز اصلاح و تربیت بودند در امریکا استخدام شدند. در سال ۱۹۰۸ اولین بازرس پلیس زن امریکا با نام «لولا بالدوین» در شهر پورتلند آغاز به کار کرد، اما وظیفه وی پیشگیری از جرائم و امور اجتماعی بود و لباس فرم مخصوص و سلاح نداشت. هم اکنون ۱۳ تا ۱۴ درصد از کل نیروی پلیس امریکا را پلیس زن تشکیل می‌دهد.

در انگلستان اولین افسران پلیس زن فعالیت خود را از سال ۱۹۱۹ آغاز کردند و پس از چند سال وقفه، در سال ۱۹۲۳ میلادی دوباره ۵۰ پلیس زن بار دیگر جذب نیروی پلیس شدند که از قدرت لازم برای حضور در عملیات‌ها و دستگیری مجرمان برخوردار بودند.

به کارگیری پلیس زن اما تنها در کشورهای اروپایی و امریکا نیست و بسیاری از کشورهای اسلامی هم از وجود زنان در نیروهای امنیتی و پلیس بهره می‌برند.

در بنگلادش پلیس زن از چند دهه قبل فعالیت خود را با شش نیرو آغاز کرد، اما اکنون تعداد پلیس زن این کشور به ۶هزار نفر رسیده است که حدود ۵ درصد از کل پلیس این کشور را شامل می‌شود.

در مالزی هم استخدام پلیس زن از سال ۱۹۵۵ آغاز شد و زنان در سمت‌های دانشجو، معاون و سرپرست نیروی پلیس، بازرس، پاسبان و پلیس خارجی فعالیت می‌کنند. ترکیه، اردن، بحرین و پاکستان هم از دیگر کشورهای اسلامی هستند که زنان پلیس در آنها فعالیت دارند.

نقش آفرینی پلیس زن در ایران با آنچه در فیلم‌ها نشان می‌دهند کمی متفاوت است. فرودگاه‌ها و مبادی ورودی و خروجی کشور، بازرسی گذرنامه، بازرسی بدنی، بازرسی وسایل، بدرقه متهم و بازدید از مکان‌های مختص زنان، از جمله مواردی است که با حضور پلیس زن به انجام می‌رسد. علاوه بر این رسیدگی به تخلفاتی که در مکان‌های مخصوص زنان مانند آرایشگاه یا مرکز زنانه دیگر گزارش شود، با ورود پلیس زن همراه است یا اگر تجمعاتی صورت گیرد، امنیت آن تجمعات با زنان پلیس است. همچنین زنان پلیس در کلانتری‌ها برای رسیدگی به شکایات زنان و مشاوره‌دادن به آنها حضور دارند.

در کشور ما دانشکده کوثر در دانشگاه علوم انتظامی امین قرار دارد که به عنوان تنها دانشکده پلیس زن ایران به تربیت پلیس زن می‌پردازد و هر ساله دختران علاقه‌مند به پلیس‌شدن در ایران، به این دانشکده وارد می‌شوند؛ دخترانی با رتبه‌های برتر کنکور که پلیس شدن و سهم داشتن در برقراری نظم و امنیت را بر هر شغل دیگری ترجیح می‌دهند.

گزیده

شهلا اعزازی*

رایج‌ترین روش گذران اوقات فراغت زنان خانه‌دار

مطالعات نشان می‌دهند زنان خانه‌دار بیشتر اوقات فراغت خود را به شکل «مکالمه تلفنی» و تماشای سریال‌های تلویزیونی یا ماهواره‌ای می‌گذرانند.

نبود امکانات و امنیت از دیگر موانع حضور زنان برای بهره‌گیری از اوقات فراغت است. برای مثال مشکل رفت و آمد برای تفریحاتی مانند تئاتر و سینما که اغلب در ساعات پایانی شب به اتمام می‌رسد باعث شده است زنان نتوانند به راحتی و با آرامش خاطر از آنها بهره‌مند شوند.

پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه «طبقه» و «جنس» پرداخته‌اند، نشان می‌دهد بین فراغت دختران طبقات بالا و پایین شباهت زیادی وجود دارد. همچنین پسران در هر طبقه اجتماعی نسبت به دختران، دوستان بیشتری دارند، درحالی که دختران کمتر به خانه دوستانشان می‌روند، آنها را کمتر به خانه می‌آورند و بیشتر اوقات فراغتشان را به شکل انفعالی مانند تماشای تلویزیون می‌گذرانند. پسران بیشتر از دختران به فعالیت‌های ورزشی و مسافرت می‌پردازند، درحالی که دختران ترجیح می‌دهند به فعالیت‌های هنری مشغول باشند. زنان خانه‌دار نیز معمولاً از واژه اوقات فراغت استفاده نمی‌کنند و هر زمان که می‌خواهند به آن اشاره کنند از این جمله که «الان بیکار هستیم» استفاده می‌کنند.

زنان در جامعه معمولاً در انزوای اجتماعی به سر می‌برند. دلایل اقبال آنها به تماشای سریال‌های تلویزیونی این است که تماشای این سریال‌ها باعث می‌شود آنها مشغولیت پیدا و موضوع صحبت برای برقراری ارتباط با دیگران را پیدا کنند. همچنین زنان خانه‌دار ساعت کاری مشخصی ندارند، زمان آغاز این سریال‌ها برای آنها به منزله لحظه شروع اوقات فراغتشان تلقی می‌شود. درواقع آنان به این شکل فراغت را برای خودشان می‌خرند. زنان ترجیح می‌دهند در فراغت‌هایی مشارکت داشته باشند که از لحاظ زمان با نقش‌های تثبیت شده آنها انطباق داشته باشد. این مسئله به آن معناست که آنها می‌خواهند فراغتشان با نقش مادری و همسری‌شان منطبق باشد. آنان اغلب برای خود فراغت در نظر نمی‌گیرند. آنها حاضر نیستند از مسئولیت رسیدگی به خانه بزنند و فراغتی برای خود در نظر بگیرند. گاهی حتی به آنها در این مورد احساس گناه دست می‌دهد.

گذران اوقات فراغت زنان اغلب به شکل خانگی و در کنار همسر و فرزندانشان است. حتی در این شکل اوقات فراغت آنها بیشتر کار می‌کنند تا دیگران اوقات فراغت داشته باشند. برای مثال تدارک و آمادگی مهمانی یا گردش را از قبل برعهده می‌گیرند.

در نهایت می‌توان گفت در فراغت، طبقه اجتماعی، قومیت، سن، حرفه زندگی، موقعیت جغرافیایی، تجرد و تأهل تاثیرگذار هستند.

***جامعه‌شناس**

خوشبختی در حبس مهریه!

از جوان ۲۰ ساله تا پیرمرد ۹۲ ساله به خاطر یک فرهنگ غلط در زندان مهریه گذران عمر می‌کنند

گزارش یک

کبری فرشچی

۲هزار و ۵۰۰ مردی که مطابق آخرین آمار به خاطر ناتوانی از پرداخت مهریه همسرانشان در زندان به سر می‌برند اثبات می‌کند که مهریه را هم می‌گیرند و هم مجبورند بدهند و اگر هم نخواهند مهریه را بدهند پشت میله‌های سرد زندان می‌روند تا زمانی که یا همسرشان رضایت بدهد و مهرش را حلال کند یا بالاخره بتواند به گونه‌ای مهر همسرش را جبران کند. ماجرای زندانیان مهریه و بالا رفتن روز به روز مهریه‌ها به سال تولد شمسی و میلادی موجب شد قانونگذاران فکری به حال آقایان کنند و برای مهریه زنان سقف تعیین نمایند. بر این اساس قانون حمایت از خانواده که در سال ۹۱ به تصویب نمایندگان مجلس رسید، حد حمایت قانونی از مطالبه مهر را تا میزان ۱۱۰ سکه اعلام کرد و مطالبه میزان بیشتر از آن را منوط به ملائت زوج دانست، اما انگار همین مهریه ۱۱۰ سکه‌ای توانسته است مردانی را راهی زندان کند.

پیر و جوان ندارد؛ به سراغ زندانیان مهریه که بروید با سنین بالا هم مواجه خواهید شد. نمونه‌اش پیرمرد ۹۲ ساله‌ای است که همین چند وقت پیش رئیس ستاد دیه کشور از زندانی شدنش به خاطر مهریه همسرش خبر داد.

در قانون جدید خانواده ذکر شده معیار ملائت در مطالبه مهر ۱۱۰ سکه است، این به معنای آن است که دادگاه فرض را بر این گذاشته است که زوج قابلیت پرداخت را دارد و اگر این تعداد چه به صورت نقد و چه قسط بندی پرداخت نشود حکم حبس صادر می‌شود.

■ مهریه‌های بالای ۱۱۰ سکه هم قابل وصول است

در مهرهای تا ۱۱۰ سکه نیازی به اثبات زوجه مبنی بر استطاعت زوج نیست، در این مرحله زوج باید خودش در دادگاه عدم استطاعتش را در پرداخت مهر اثبات کند. در میان مردم به اشتباه ذکر می‌شود که مهرهای بیشتر از ۱۱۰ را نمی‌توان دریافت کرد، در حالی که در مهرهای بیش از ۱۱۰ سکه زوجه باید به دادگاه اثبات کند که زوج توانایی پرداخت این تعداد سکه را دارد.

میترا ضرابی وکیل پایه یک دادگستری با اشاره به اینکه در قانون جدید خانواده ذکر شده است که معیار ملائت در مطالبه مهریه ۱۱۰ سکه است، می‌گوید: این اصطلاح به این معناست که دادگاه فرض و اماره را بر این گذاشته است که زوج قابلیت پرداخت را دارد و اگر این تعداد چه به صورت نقد و چه قسط بندی پرداخت نشود حکم حبس صادر می‌شود. در مهریه‌های تا ۱۱۰ سکه نیازی به اثبات زوجه مبنی بر استطاعت زوج نیست. در این مرحله زوج باید خودش در دادگاه عدم استطاعتش را در پرداخت مهریه اثبات کند.

این وکیل پایه یک دادگستری با اشاره به اینکه در میان مردم به اشتباه ذکر می‌شود که مهریه‌های بیشتر از ۱۱۰ را نمی‌توان دریافت کرد، خاطرنشان می‌کند: در مهریه‌های بیش از ۱۱۰ سکه زوجه باید به دادگاه اثبات کند که زوج توانایی پرداخت این تعداد سکه را دارد. ضرابی درباره مهریه عندالاستطاعه نیز می‌گوید: زمانی که زوجه ثابت کند که مرد استطاعت پرداخت مهریه تعیین شده را دارد، بنابراین زوج ملزم به پرداخت خواهد شد و زوجه که این شرط را قبول می‌کند باید بپذیرد که هر زمانی که زوج اعلام عدم استطاعت مالی کند نمی‌تواند از وی مطالبه داشته باشد.

> **در میان مردم به اشتباه ذکر می‌شود که مهرهای بیشتر از ۱۱۰ را نمی‌توان دریافت کرد، در حالی که در مهرهای بیش از ۱۱۰ سکه زوجه باید به دادگاه اثبات کند که زوج توانایی پرداخت این تعداد سکه را دارد**

■ اصلاح قانونی که مؤثر نبوده

به گفته اسدالله جولایی هم اکنون ۲ هزار و ۵۶۴ محکوم بدهکار مهریه در زندان‌ها به سر می‌برند که اغلب بابت قبول سکه بهار آزادی در حق زوجه است.

گویا اصلاح قانون مهریه هم در کاهش زندانیان این حوزه چندان مؤثر نبوده است. جولایی با اشاره به تلاش ستاد دیه در تصویب قانون رفع جنبه کیفری از مهریه‌های بالای ۱۱۰ سکه اظهار کرد: قانون یاد شده از زمان تصویب آن در آذر ۹۱ تا کنون هرچند در کاهش مددجویان مهریه اثرگذار بوده، اما نقشی را که باید ایفا می‌کرد به دلیل بالا بودن تعداد سکه‌ها نداشته است. اینکه زنان با هر دلیل موجه یا غیرموجه، تا زمان حصول صدودهمین سکه مهریه خود می‌توانند مرد خانواده یا همسر سابق‌شان را در حبس نگه دارند با قیمت سکه و شرایط اقتصادی کشور چندان هماهنگی ندارد. امروز برخلاف اقدامات خوب انجام شده در قبال رانندگان زندانی یا بدهکاران مالی ناشی از چک در خصوص محبوسان مهریه نیازمند اصلاح قانون ۱۱۰ سکه‌ای هستیم.

■ پیرمرد ۹۲ ساله زندانی مهریه!

آنطور که مدیرعامل ستاد دیه کشور می‌گوید بعضی مهریه‌ها هم ظاهراً زیاد نیستند، اما احتمالاً از مهریه‌های سنگینی همچون سال تولد پر دردسرترند. وی با اشاره به ثبت مهریه‌های خارج از عرف و بعضاً باورنکردنی می‌گوید: دوره زندانی شدن بابت قبول حلّه یمانی، سفر به ۱۱۰ پایتخت جهان یا گرفتن عکس سلفی با مسی و مالدینی به عنوان مهریه خوشبختانه سر آمده است. دوره کسانی که به طور فانتزی صداق قبول می‌کردند هرچند تمام نشده است، اما امروز شاهد این هستیم که زوجین خیلی راحت و به طور توافقی از هم جدا می‌شوند و حتی با حضور فامیل و دوستان خود، جشن طلاق برگزار می‌کنند.

به گفته وی طبق آخرین آمارها که مربوط به هفته گذشته است، هم اکنون استان فارس با ۲۲۷ زندانی فقط مهریه (یعنی با کسر تعداد مددجویان نفقه) بیشترین آمار زندانیان مهریه را به خود اختصاص داده است و تهران با ۲۱۳ محکوم و اصفهان هم با ۲۱۱ مددجو در رتبه بعدی بیشترین‌ها هستند. آنطور که جولایی بیان می‌کند البته این گرفتاری فقط به جوانان ارتباط ندارد که بخواهیم آن را با دخالت خانواده‌ها توجیه کنیم. قصه این روزها آنقدر غصه‌دار شده است که چندی پیش بابت اجرای یک مهریه مرد ۹۲ ساله‌ای بابت آن روانه زندان سپیدار استان خوزستان شد.

بی‌تردید مهریه حق زن است و مرد موظف به پرداخت آن. این همه خانواده‌هایی که برای جدایی به دادگاه خانواده مراجعه می‌کنند نیز شاهدی است بر اینکه کم و زیاد مهریه با خوشبختی ارتباط مستقیمی ندارد پس شاید بهتر باشد دوام زندگی‌مان را بر پایه‌های محکم‌تری بنا کنیم.

گزارش ۲

زهرا چیذری

زنان ایرانی در خطرند!

از افزایش ایدز و اعتیاد تا دیابت زنان، زنگ خطر سلامت خانواده‌های ایرانی را به صدا درآورده است

زنان ایرانی در خطرند. کافی است سری به آمار و ارقام اعلامی بزنید تا دریابید اوضاع سلامت زنان در کشورمان چندان مناسب نیست و در کنار سلامت، برخی آمار هم از افزایش آسیب‌های اجتماعی میان این نیمه پیکره جامعه حکایت دارد. این در حالی است که کم نیستند زنانی که به ظاهرشان آنچنان اهمیت می‌دهند که کشورمان را در حوزه مصرف لوازم آرایشی رکورددار کرده‌اند، اما همین زنان وقتی پای سلامتشان به میان می‌آید با چالش مواجهند به گونه‌ای که اگرچه امید به زندگی در زنان از مردان بیشتر است، اما در برخی بیماری‌ها نظیر دیابت سیر فزاینده‌ای را در زنان شاهدیم؛ همچنان که آمار رشد ایدز هم در زنان بالاتر از مردان است.

اولویت فرم به محتوا موضوعی است که انگار در باورهای ما ریشه دارد و موجب شده تا بسیاری از رفتارهایمان را تحت‌الشعاع قرار دهد. یکی از این حوزه‌ها هم مباحث مرتبط با سلامت است به گونه‌ای که اگرچه زنان ما به ظاهر خود اهمیت زیادی می‌دهند و مصرف لوازم آرایشی یا اعمال جراحی زیبایی در آنها بالاست، اما چندان به فکر سلامت خود نیستند و از سوی دیگر بیش از مردان در معرض آسیب های اجتماعی قرار دارند. جالب اینجاست که با همه این چالش‌ها باز هم امید به زندگی در زنان از مردان بالاتر است.

■ بیماری شیرین در کمین زنان ایرانی

دکتر محمدباقر لاریجانی، معاون آموزشی وزارت بهداشت و پژوهشگر با اشاره به اینکه در کشور ما میزان مرگ و میر در مردان بیش از زنان است، می‌گوید: این در حالی است که میزان بروز برخی بیماری‌ها مانند دیابت در زنان بیشتر از مردان بوده است. همچنین درصد شیوع چاقی در زنان ۳۰ درصد است، یعنی یک چهارم جمعیت کشور ما چاقند و زنان نیز بیش از مردان چاق هستند.

وی با بیان اینکه سیر فزاینده بیماری دیابت را در زنان شاهدیم تصریح می‌کند: وضعیت زنان از نظر شیوع دیابت بدتر از مردان است. همچنین ۳۰ درصد جمعیت ما مبتلا به فشارخون هستند که این بیماری در جمعیت زنان بیشتر است. در عین حال یک چهارم کشور ما از افزایش چربی خون رنج می‌برند که در این میان این بیماری زنان بیشتری را درگیر کرده است.

■ خانه داری ورزش نیست

اغلب زنان ایرانی بخش عمده‌ای از وقتشان را به خانه‌داری و رفت و روب خانه مشغولند و تصور می‌کنند فعالیت فیزیکی مناسبی دارند، اما لاریجانی با بیان اینکه ۹۰ درصد جمعیت کشور فعالیت فیزیکی ندارند و این میزان در زنان بسیار بیشتر است، تأکید می‌کند: زنان فکر می‌کنند کارِ خانه نوعی فعالیت فیزیکی است، اما چنین تصوری اشتباه است. باید توجه کرد که کافی نبودن فعالیت فیزیکی مشکل تمام جمعیت کشور ماست، به طوری که در تمام افراد اعم از دانش‌آموز تا افراد سالخورده وضعیت فعالیت فیزیکی نامناسب است. در عین حال میزان شیوع چاقی و دیابت در مدارس هم بالا رفته است.

وی با بیان اینکه در برخی استان‌ها تفاوت چشمگیری میان بیماری‌های زنان و مردان وجود دارد، می‌افزاید: باید به طور جدی در حوزه سلامت بانوان کار کنیم. ما در پیوست NCD اطلاعاتی داریم که نشان می‌دهد وضعیت سلامت روان در زنان مناسب نیست و حتی در برخی ریسک‌فاکتورها مانند سیگار کشیدن شاهدیم که در زنان در حال افزایش است، بنابراین باید اقدامات مؤثری در این زمینه انجام دهیم.

■ رشد روند ایدز در زنان

تغییر الگوی انتقال ایدز از تزریقی به جنسی هم یکی دیگر از موضوعاتی است که زنان ایرانی را در معرض خطر جدی این بیماری قرار می‌دهد.

دکتر پروین افسر کازرونی، رئیس اداره ایدز وزارت بهداشت درباره آخرین آمار مبتلایان به این بیماری می‌گوید: تاکنون ۳۶ هزار نفر مبتلا به HIV تشخیص داده شده‌اند که ۸۴ درصد آنها مرد و ۱۶ درصد آنها زن هستند و تخمین زده می‌شود که تعداد مبتلایان در کشور بیش از ۶۶ هزار نفر باشد. بنا به تأکید وی از نظر راه انتقال این ویروس، ۶۶ درصد اعتیاد تزریقی و ۱۹/۶ درصد از راه جنسی انتقال یافته است. از این تعداد بیش از ۲۶ هزار نفر در مراکز مربوطه تشکیل پرونده داده‌اند که حدود ۱۲ هزار نفر آنها به صورت مرتب تحت درمان قرار گرفته‌اند.

کازرونی تصریح می‌کند: روند ابتلای زنان به این بیماری، رو به رشد است، به طوری که در افراد تازه تشخیص داده شده، بیش از ۳۵ درصد آنان زن هستند. به گفته رئیس اداره ایدز وزارت بهداشت هم اکنون انتقال ویروس HIV از طریق روابط جنسی از اعتیاد تزریقی پیشی گرفته است. در موارد جدید شناسایی، ۴۲ درصد از طریق انتقال جنسی و ۳۷ درصد از طریق اعتیاد تزریقی به این بیماری مبتلا شده‌اند.

> **مدتی پیش فراخوانی دادیم که زنانی که همسرانشان اعتیاد داشته‌اند یا به این دلیل از همسران خود جدا شده‌اند، برای آزمایش به مراکز مربوطه مراجعه کنند. از ۴۰۰ موردی که مراجعه کرده بودند هفت نفر به این بیماری مبتلا شده بودند**

■ نیمی از زنان مبتلا به ایدز متأهلند

کازرونی می‌افزاید: از ۵ هزار زنی که مبتلا به ویروس HIV هستند بیش از ۵۰ درصد آنها زنان متعهد و متأهل بوده‌اند که بیماری را از همسران خود گرفته‌اند و دلیل آن ناآگاهی همسران از این بیماری بوده است.

وی می‌گوید: مدتی پیش فراخوانی دادیم که زنانی که همسرانشان اعتیاد داشته‌اند یا به این دلیل از همسران خود جدا شده‌اند، برای آزمایش به مراکز مربوطه مراجعه کنند. از ۴۰۰ موردی که مراجعه کرده بودند هفت نفر به این بیماری مبتلا شده بودند. کازرونی در باره برنامه پیشگیری انتقال از مادر به کودک هم می‌گوید: این برنامه در سال ۹۳ کلید خورد و هدف آن این بود که تا سال ۲۰۳۰ دیگر کودکی از این طریق به HIV مبتلا نشود. طبق آخرین آمار، ۹۳ درصد نوزادان متولد شده از زنان مبتلا به ایدز، از ویروس HIV پاک بوده‌اند.

■ خودمان به فکر خودمان باشیم

خلاصه اینکه زنان ایرانی در خطرند؛ زنانی که محور خانواده‌اند و آسیب به آنها آسیب به محور خانواده است. شاید بیش از هر کس دیگری باید خودمان به فکر خودمان باشیم.

یادداشت

محمدمهدی نیک‌ضمیر

چرخش چرخ‌های اقتصاد به دست زنان

۱- همواره بیان شده است زنان نیمی از جمعیت کشور را شامل می‌شوند و آماری قریب یا بیش از ۴۰ میلیون نفر را به نمایش می‌گذارند، اما این آمارها چرا تنها برای جلب مشارکت‌های سیاسی یا حضور در پروژه‌های خاص مورد خطاب قرار می‌گیرند؟ چرا مشارکت‌های زنان کمتر در بیان و لسان فعالان زن و نیز برخی مسئولان در حوزه‌های مختلفی چون اقتصاد دیده می‌شود؟ آیا این سرمایه قابل توجه انسانی استعداد ظهور و بروز توانایی در بخش‌های توسعه اقتصادی را ندارد و صرفاً به عنوان یک نیروی کار ارزان به شمار می‌آید؟ آیا در افق ذهنی برخی فعالان زن برآمده از سیاست نقش مدیریتی صرف برای نشان دادن شاخص توسعه نقش زنان برای درصد کمی از این جمعیت برنامه‌ای تعریف و تفسیر شده است؟

بی‌گمان چرا در زمانه‌ای که سخن از شرایط نابسامان اقتصادی است و در هنگامه‌ای که پای تدبیر در ایجاد اشتغال و کارآفرینی در برخی حوزه‌ها لنگ زده و قفل‌شدگی ذهنی بر خروجی برخی از مسئولان و سامانه‌های اقتصادی سایه سنگینی افکنده، داشته‌ها به خوبی آنالیز نشده و برای سرمایه‌های انسانی زنان سوژه شدگی عینی مبتنی بر بهره‌گیری تعریف و تفسیر نمی‌شود؟

۲- بر اساس جدیدترین آمارهای منتشر شده گفته می‌شود نرخ مشارکت اقتصادی به طور کلی ۴/۴۰ درصد بوده که شاخص مشارکت اقتصادی مردان ایرانی به ۹/۶۴ درصد رسیده و برای زنان ایرانی این شاخص ۹/۱۵ درصد محاسبه‌شده است. از این درصد ذکر شده برای زنان، ۲۲ درصد زنان ایرانی در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند و ۲۵ درصد زنان در بخش صنعتی نساجی و پوشاک و صنایع‌دستی فعالیت دارند. همچنین درصد ذکر شده حضور زنان در بخش خدمات نیز ۵۲ درصد است. در این میان گرچه آمارها از سهم ۱۰ درصدی زنان نیز در پست‌های مدیریتی حکایت داشته، اما می‌توان این درصد را شامل برخی زنان نخبه و دارای تحصیلات عالی و نیز سهم برخی از لابی‌های کانون سیاسی زنانه دانست.

۳- در شرایطی که اوضاع اقتصادی و شواهد عینی از فشارهای اقتصادی حکایت داشته و از دیگر سو نیز صنایع بزرگ و تولیدی با کاهش سرمایه‌های بزرگ دغدغه ایجاد رونق اقتصادی و فراهم کردن زمینه‌های افزایش تولید و در پی آن اشتغالزایی در بخش صنایع کشور هستند فارغ از سیاست‌های راهبردی‌ای که در سطوح عالی برای این مسئله طرح و بیان می‌شود، می‌توان از زاویه‌ای دیگر نیز از چگونگی نقش زنان برای ایفای نقش در مشارکت‌های اقتصادی و تلاش برای بهره‌گیری از سرمایه انسانی آنها نیز در حوزه اقتصاد در قالب ایده سخن به میان آورد؛ ایده‌ای که نه ادعای پا تند کردن برای برجسته‌سازی دارد و نه جنسیت را فصل الخطاب قرار می‌دهد، بلکه بر اساس تجارب دنیای اقتصاد و نیز عزم جهادگونه در شرایط تحریم اقتصادی و کمبود منابع مالی به یک پیشنهاد اولیه بسنده می‌کند تا شاید سری برون آید و آن را به آب داوری مورد ارزیابی قرار دهد.

۴- می‌توان و باید که در شرایط کنونی برای بهره‌گیری از سرمایه انسانی زنان به طرح تولید بدون کارخانه اندیشید. نگاهی به واقعیت موجود نشان می‌دهد کم نیستند زنانی که برای گذراندن امور زندگی و تأمین معیشت به مشاغل خانوادگی روی آورده و گذران امور می‌کنند، اما اگر بتوان با نگاهی به تولید بدون کارخانه بخش عمده‌ای از این زنان را درگیر تولید کرد بی‌تردید هم اوضاع اقتصادی این زنان تضمین شده‌تر خواهد شد و هم رونق تولیدی‌ها به عنوان موتور محرکه اقتصاد پویا و مقاومتی شتاب مناسب‌تری خواهد گرفت.

تولید بدون کارخانه، به معنای نبودن کارخانه در فرآیند تولید نیست، بلکه به این معناست که میزان دغدغه‌ها و مشکلات ناشی از کارخانه‌داری برای صنعتگر به حداقل می‌رسد، به سبب اینکه از سایر منابع و امکانات نیز بهره می‌جوید و کارخانه بیشتر جایگاه تکمیلی پیدا می‌کند. در این تولید، زنان ایرانی که بخش عمده‌ای از آنها نیز در خانه‌هایشان مستقر هستند، می‌توانند تبدیل به یک نیروی مولد اقتصادی شوند.

۵- در این رابطه کارگاه‌های کوچک یا حتی بخشی از صنایع متوسط می‌توانند برخی از تولیدات خود را مانند مونتاژ، سوار کردن قطعات، برش‌ها، جانمایی قطعات ظریف و... به نیروهای حاضر در منازل بسپارند و در شرایطی جدی‌تر که پس از آموزش و توانمندسازی زنان حاضر در خانه نیز صورت می‌گیرد می‌توان تولیدات در خانه را تخصصی‌تر دنبال کرد. این پروژه بزرگ اگر اجرایی شود هم به صنعت داخل کمک می‌کند و هم یک حراست فرهنگی است که در آن همه افراد جامعه خود را وابسته به تولید داخلی می‌دانند و وابستگی ما به واردات کم می‌شود.

در مجموع می‌توان این طرح را به طور خلاصه اینگونه توضیح داد که در تولید بدون کارخانه با اتکا به زنان خانه‌دار می‌شود یک سازمان ایجاد کرد و چندین خانه زیر نظر آن به تولید بپردازند و نیروهای بی‌شمار تحت پوشش قرار گیرند و محصولی را که مدنظر کارآفرین است تولید و تکمیل شود.

از سوی دیگر اما شاید بتوان مزیت‌های این طرح را اینگونه برشمرد:

۱- بهره‌گیری از ظرفیت و سرمایه انسانی زنان به ویژه زنان خانه‌دار در چرخه تولید

۲- کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای بنگاه‌های اقتصادی و کاهش دغدغه‌های صنعتگران و کارآفرینان

۳- کاهش هزینه تولید و افزایش میزان بهره‌وری

۴- کاهش سرمایه‌گذاری‌های اولیه و افزایش تولید و انتقال بخشی از خط تولید به منازل

۵- اشتغالزایی

۶- جلوگیری از سرمایه‌گذاری مجدد و اتلاف سرمایه‌ها

در این میان اما برای افزایش ضریب موفقیت این طرح قطع به یقین باید سایر ارگان‌ها و نهادها نیز همکاری کنند و در راستای توانمندسازی زنان حاضر در خانواده‌ها تلاش‌های هم‌افزایی داشته باشند. همکاری با سازمان فنی و حرفه‌ای کشور با هدف توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی برای دو گروه زنان شهری جویای کار و زنان آسیب دیده و برگزاری دوره‌ها جهت گسترش آموزش و توانمندسازی مهارتی زنان می‌تواند بخشی از این تلاش‌ها باشد.

خبر

میانگین سنی نخستین تجربه مادری در تهران ۳۰ سال شد

سخنگوی سازمان ثبت احوال گفت: نرخ عمومی ولادت (به معنی ولادت‌ها و فوت‌های ثبت شده به ازای هزار نفر جمعیت در یک سال شمسی) در سال ۱۳۹۵ میانگین اولین تجربه مادر شدن در تهران ۳۰ سال شده است.

سیف‌الله ابوترابی افزود: در سال گذشته یک میلیون و ۵۲۸ هزار و ۵۳ نفر در ایران متولد شدند و نرخ عمومی ولادت (به معنی ولادت‌های ثبت شده به ازای هزار نفر جمعیت در یک سال شمسی) در سال ۱۳۹۵، ۱۹/۵ نفر در هزار نفر بوده است.

وی ادامه داد: میزان متولدین سال ۹۵ در مقایسه با سال قبل از آن ۲/۷ نفر در هزار نفر کاهش داشته است.

ابوترابی گفت: ۵۷ درصد زنانی که در سال گذشته مادر شدند، کمتر از ۳۰ سال سن داشتند و میانگین سن مادران که در این سال فرزنددار شدند، ۲۹ سال و میانگین سن مادران در سال گذشته در استان تهران نیز ۳۰ سال بوده است.